

شکاف و بحران بی سابقه در داخل رژیم صهیونیستی

با دور تازه مقاومت مسلحانه در فلسطین

مقدمه

فرارسیدن آخرین جمعه ماه مبارک رمضان که به تدبیر مبارک امام راحل (ره) به نام «روز قدس» نام گذاری شده است، فرصتی است گرانبها که بار دیگر به مسایل فلسطین و آرمان مقدس این سرزمین اشغالی پرداخته شود. هدف دشمنان آن است که با گذر زمان، از یک سو مصائب و آرمان های ملت فلسطین به فراموشی سپرده شود و از سوی دیگر در روند سازش، رژیم اشغالگر قدس در منطقه تثبیت شود. اما حضور مسلمانان و وجدان های بیدار در مراسم روز جهانی قدس، به جهانیان نشان می دهد که آرمان فلسطین همچنان زنده است. این حضور همچنین تسریع کننده روند فروپاشی درونی رژیم غاصب است که خصوصاً طی سال های اخیر شتاب فزاینده ای یافته و با توجه به تشدید اختلافات و بحران درونی رژیم

غاصب اسرائیل، ناقوس خطر «نفرین دهه هشتم» را برای صهیونیست ها به صدا درآورده است.

موقعیت راهبردی فلسطین در منطقه

فلسطین یک سرزمین ساحلی در غرب دریای مدیترانه است که از شمال به لبنان، از مشرق به سوریه و اردن و از جنوب به دریای سرخ و صحرای سینا محدود می شود. مساحت این سرزمین ۲۷۰۲۴ کیلومتر مربع است و یکی از حساس ترین مناطق استراتژیک جهان است. زیرا اولاً مرکز تلاقی سه قاره بزرگ جهان یعنی آسیا، آفریقا و اروپاست و ثانیاً علاوه بر آن که یک ترمینال مهم تجاری و نظامی میان شرق و غرب است، می توان از آن نگرهبانی مطمئن برای منطقه نفت خیز خاورمیانه ساخت. این عوامل باعث شده است استعمار انگلیس و پس از آن امریکا پیوندی عمیق با صهیونیسم یافته و از این منطقه برای تحقق اهداف و منافع خود بهره برداری نمایند. «تئودور هرتزل» بنیانگذار اصلی صهیونیسم می گوید: «ما برای اروپا در این منطقه (فلسطین) پایگاهی در برابر آسیا بنا خواهیم کرد؛ ما پیشقراولان و نگرهبانان تمدن غرب در برابر بربریت شرق خواهیم بود».

دلیل مهم دیگری که فلسطین را کانون توجهات جهانی قرار داده است جنبه قداست و روحانیت آن است. این سرزمین از دیرباز مهد پیامبران بزرگ

الهی بوده است و بیت المقدس و آثار تاریخی آن همچون مسجد الاقصی مورد احترام ادیان سه گانه اسلام، مسیحیت و یهودیت است. عوامل فوق که برای کمتر سرزمینی دردنیا یافت می شود، موجب شد تلخ ترین تراژدی سیاسی قرن بیستم آفریده شود و جنبش صهیونیسم با ادعاهای واهی مذهبی و تاریخی به اشغال این منطقه مهم بپردازد.

چرایی و چگونگی ظهور غده سرطانی در قلب منطقه

فلسطین در دوره تشکیل امپراطوری عظیم عثمانی به دست فرماندارانی که از سوی این امپراطوری تعیین می شدند اداره می شد. در خلال جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۶ نیروهای انگلیسی به فلسطین حمله کردند و طبق قرارداد «سایکس - پیکو» این سرزمین تحت قیمومیت انگلستان درآمد.

پیش از آن در اواسط قرن ۱۹ که مصادف با دوران تشدید یهودآزاری (آنتی سیمیتسم) در اروپا و شوروی بود، پایه های اولیه صهیونیسم پی ریزی شد و کنگره های جهانی صهیونیسم شکل گرفت و تئودور هرتزل با انتشار کتاب «دولت یهود» طرح ایجاد یک حکومت یهودی را مطرح ساخت و در سال ۱۹۰۵ سرزمین فلسطین به عنوان موطن یهودیان جهان برگزیده شد. تلاش های سران صهیونیسم به تدریج به ثمر نشست و در نوامبر ۱۹۱۷ «لرد بالفور» وزیر خارجه انگلیس اعلام کرد: دولت معظم بریتانیا به تشکیل یک

سرزمین برای یهودیان در فلسطین با نظر مساعد می نگرد والبته حقوق ومذهب جوامع غیر یهودی این منطقه نباید خدشه دار شود».

این اعلامیه که به «وعده بالفور» مشهور گشت، زمینه ساز مهاجرت یهودیان جهان به سوی سرزمین فلسطین با شعار واهی «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین» شد. با اعلام جامعه بین الملل در سال ۱۹۲۳ مبنی بر به رسمیت شناختن موطن یهودیان، موج مهاجرت ها افزایش یافت و نهایتا پس از جنگ و اشغال اراضی فلسطینی ها بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل با حمایت مستقیم استعمار انگلیس، در سال ۱۹۴۸ تشکیل دولت اسرائیل را رسماً اعلام کرد.

البته فلسطینیان در برابر جنایات صهیونیستها ساکت ننشستند و با طرح تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عربی که سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ تصویب کرد مخالفت کردند. اما اسرائیل همچنان به اشغالگری و جنایات خود ادامه می داد و شهرهای مهمی چون یافا، حيفا، تل آویو، ناصره، بئرالسبع و صحرای نقب را به اشغال درآورد و صدها هزار فلسطینی آواره شده و به کشورهای همسایه همچون لبنان و اردن و مصر و سوریه پناه بردند.

هدف اصلی غرب با محوریت انگلیس و بعداً ایالات متحده آمریکا از تشکیل رژیم نامشروع اسرائیل در قلب منطقه غرب آسیا ایجاد یک پایگاه سیاسی، امنیتی به منظور تثبیت و تداوم نفوذ خود در یکی از حساسترین مناطق جهان بوده است. از این منظر، جنبش صهیونیسم بیش از آن که دغدغه آوارگی اقلیت‌های یهود و ستم‌دیدی آنان را در سر داشته باشد، مرتبط با یک حرکت استعماری بلندمدت بود که در آن روزگار انگلیس پیش‌قراول آن بود و بی‌جهت نیست که هرتزل وعده ایجاد پایگاهی برای غرب در فلسطین علیه بربریت شرق را می‌دهد.

بررسی ریشه‌های بحران فلسطین که بیش از یک سده پیشینه تاریخی دارد از حقایقی پرده برمی‌دارد که تحلیل روند جاری در اراضی اشغالی را برای ما آسان‌تر می‌سازد. آن‌چه در اقصای نقاط غرب آسیا می‌گذرد به تعبیر یکی از کارشناسان غربی، تنها نبرد بر سر مرزها و سرزمین‌ها نیست، بلکه جدالی است دیرین میان ادیان و تمدن‌ها. به عبارتی این سرزمین کهن با موقعیت حساس جغرافیایی و تاریخی خود تبدیل به نقطه تلاقی فرهنگ و تمدن‌های سترگ تاریخ شده است، همان‌گونه که گذشته این دیار از قرن دهم میلادی به بعد شاهد جنگ‌های خونین صلیبی بوده است.

ابتکار روز جهانی قدس

جمهوری اسلامی ایران براساس مواضع اصولی و انسانی، از ابتدا در کنار آرمان فلسطین ایستاد و امام راحل (ره) در رمضان ۱۳۹۹ قمری پیشنهاد روز جهانی قدس را اعلام کرد. در بیانیه امام راحل چنین آمده است: «من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.»^۱

این اعلام، روند مبارزات فلسطین را وارد نقطه عطف جدیدی کرد و به آرمان فلسطین صبغه اسلامی و بلکه جهانی بخشید. به تعبیر امام راحل با نگاه ژرفی که داشت روز قدس فقط مختص مسلمانان نیست، بلکه یک روز جهانی است. در واقع امام راحل آرمان فلسطین را از دایره تنگ قومی خارج کرد و به آن بعد اسلامی و جهانی داد و توطئه اسرائیل را که قصد

داشت این نزاع را محدود به درگیری فلسطینی ها و اسرائیل و یا درگیری اعراب و اسرائیل کند خشی نمود. همچنین روز جهانی قدس شعله مقاومت و مبارزه را بر اساس آموزه های اسلام برافروخت و طرح های جایگزین مانند سازش را نقش بر آب کرد. در واقع روز قدس نمادی از ظلم ستیزی و مبارزه با اشغالگری و استعمار نوین است که قصد دارد فلسطین را در قلب جهان اسلام ببلعد.

پیام های روز جهانی قدس را طبق دیدگاه امام راحل و امام خامنه ای می توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- آرمان فلسطین یک قضیه اسلامی و جهانی است و فقط مرتبط با ملت فلسطین یا اعراب نیست.

- راه حل قضیه فلسطین تنها از طریق وحدت مسلمانان و تلاش برای بازپس گیری حقوق مسلم فلسطینی ها حاصل می شود.

- روز قدس نماد بزرگترین جنگ روانی علیه دشمن صهیونیستی و اعمال فشار بر اشغالگران است.

- برگزاری پرشکوه روز جهانی قدس آرمان فلسطین را زنده نگاه داشته و توجه همه جهانیان را به این آرمان و حقانیت آن و نیز جنایات و اقدامات نامشروع رژیم غاصب جلب می کند.

- روز اسلام و احیای مبانی دین (از جمله ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم) و روز هشدار به سازشکاران و خیانت کنندگان به آرمان فلسطین است.

- روز جهانی قدس آرمان فلسطین را به جهت اصلی خود بازگرداند و امروزه نسل جدید فلسطین و سایر ملت ها با آگاهی و روحیه مقاومت در برابر رژیم غاصب و حامیانش ایستاده اند.

- مقاومت فلسطین سیر صعودی و رشد کمی و کیفی یافته و از انتفاضه سنگ به انتفاضه موشک تبدیل شده و ضمن ایجاد هراس در میان اسرائیلی ها، موازنه قوا را دچار تغییر کرده است. این ها از برکات روز جهانی قدس و زنده نگاه داشتن آرمان فلسطین طی سال های گذشته می باشد.

دستاوردهای مقاومت و دفاع از آرمان قدس

به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، معادلات منطقه ای دستخوش تحولات اساسی شد و گفتمان مقاومت در برابر گفتمان سازش برجستگی خاصی پیدا کرد. جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد راهبردی امام راحل (ره) و با اتکا به اصل ۱۵۴ قانون اساسی (مبنی بر حمایت از نهضت های آزادیبخش جهان) به پشتیبانی از آرمان فلسطین پرداخت و رژیم صهیونیستی که تا پیش از انقلاب اسلامی هم پیمان استراتژیک ایران بود، تبدیل به دشمن شماره یک شد که نه تنها مورد

شناسایی ایران قرار نگرفت، بلکه به نابودی و محو آن از نقشه گیتی فراخوانده شد.

نتیجه راهبرد کلان جمهوری اسلامی نسبت به قضیه فلسطین حمایت از فلسطینی ها در ابعاد مختلف سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و نهایتاً نظامی - امنیتی بود. این کمک ها که عمدتاً با محوریت نیروی قدس سپاه پاسداران و درایت و شجاعت فرمانده رشید آن شهید سردار سلیمانی انجام می شد موجب تغییر معادلات در نزاع اسرائیل و فلسطین و در سطح کل منطقه شد. از نشانه های بارز مقاومت فلسطین علیه اسرائیل غاصب، انتفاضه های متوالی در اراضی اشغالی بود. نخستین انتفاضه در دسامبر ۱۹۸۷ آغاز شد و مبارزات مردم فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری را وارد مرحله جدیدی کرد. ویژگی انتفاضه آن بود که مبارزه را از انحصار گروه های فلسطینی که عمدتاً در مبارزات خود به بن بست رسیده بودند درآورد و به آن صبغه مردمی داد. ویژگی مهم دیگر انتفاضه آن بود که اسلامگرایی (در مقابل گرایش های ناسیونالیستی و سوسیالیستی) در این مبارزات نمود یافت و گروه‌هایی چون حماس و جهاد اسلامی ظهور یافتند که بیش از هر چیز متکی بر آموزه های اسلامی و متأثر از انقلاب اسلامی و استراتژی امام راحل(ره) در مبارزه با اسرائیل غاصب بودند.

انتفاضه نگرانی سران اسرائیل را برانگیخت، به ویژه آن که با عملیات‌های بی‌سابقه استشهادی ضربات سختی به صهیونیست‌ها وارد آمد. این نگرانی باعث شد در ادامه پروسه سازش، سازمان آزادیبخش فلسطین (به عنوان نماینده رسمی ملت فلسطین) به رهبری یاسر عرفات به پای میز مذاکره آمده و در سپتامبر ۱۹۹۳ توافق اسلو در نروژ میان دو طرف امضا شد. درواقع ساف رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و دست از مبارزه برداشت و حتی با تشکیل پلیس به سرکوب انتفاضه پرداخت و در برابر این سازش به حکومت خودگردان در محدوده نوار غزه و کرانه باختری دست یافت.

ترفند اسرائیل در ایجاد تفرقه میان فلسطینیان تا حد زیادی کارگر افتاد و با سرکوب انتفاضه و شهادت و زندانی شدن بسیاری از سران و عناصر مقاومت، انتفاضه تا مدتی دچار رکود شد، اما این آتش زیر خاکستر بار دیگر در اکتبر ۲۰۰۰ در مسجدالاقصی شعله ور شد و انتفاضه دوم با گستردگی و شدت بیشتری در کلیه اراضی فلسطین (وحتی بخش‌هایی از سرزمین‌های ۱۹۴۸) از سرگرفته شد.

انتفاضه دوم دربردارنده تحولات کمی و کیفی در روند مبارزات مردم فلسطین علیه اشغالگران اسرائیل بود و ضربات سختی بر پیکره رژیم

صهیونیستی وارد شد. نگاهی به آمار شهدای انتفاضه مسجد الاقصی و مقایسه آن با کشته های صهیونیستی که نسبتی حدود سه به یک می باشد حاکی از آن است که سلاح عملیات های استشهادی در جنگ نابرابر میان فلسطینی ها و اسرائیل کارآمدی خاصی داشته و آثار روانی و معضلات زیادی برای صهیونیست ها به همراه داشته است. در کنار خسارت های سنگین اقتصادی، بنا برآمار رسمی حدود یک میلیون یهودی در جریان انتفاضه دوم دست به مهاجرت معکوس زده و از اسرائیل خارج شده اند.

روند انتفاضه در اراضی اشغالی با فراز و نشیب ادامه یافت و در مقاطعی به مرحله جنگ مستقیم بین مقاومت و رژیم صهیونیستی تبدیل شد، از جمله جنگ ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۰ روزه که با ورود تسلیحات موشکی به حوزه مقاومت در نوار غزه، معادله امنیتی به نفع مقاومت رقم خورد. در آن مقطع جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد از مقاومت فلسطین حمایت تسلیحاتی نموده و در جهت حمایت از آرمان فلسطین و استیفای حقوق فلسطینی ها این روند را ادامه خواهد داد. همچنین رهبر معظم انقلاب در مردادماه

۱۳۹۳ بر ضرورت مسلح شدن کرانه باختری به عنوان تنها راهکاری که ممکن است از محنت فلسطینی ها بکاهد، تاکید فرمودند.^۲

طرح ها و راهکارهای بحران فلسطین

در طول این مدت فلسطین همواره کانون توجهات بین المللی بوده است و راه حل های مختلفی برای حل این بحران ارائه شده است. راه حل غرب عمدتاً مبتنی بر ایجاد نوعی سازش و مصالحه میان دو طرف (اسرائیل و فلسطینی ها) بوده است، هر چند در عمل غرب و به ویژه آمریکا همواره جانب اسرائیل را گرفته و حقوق مسلم ملت مظلوم فلسطین را به فراموشی سپرده است.

در سال ۲۰۰۲ کمیته چهارجانبه ای متشکل از آمریکا و اتحادیه اروپا و روسیه و سازمان ملل برای حل و فصل بحران فلسطین و بحث درباره مسایل فیما بین موسوم به مسایل نهایی (آوارگان، بیت المقدس، حکومت مستقل فلسطین، مرزها و شهرک های یهودی نشین) تشکیل شد و پیشنهادهایی از جمله تاسیس دولت مستقل فلسطین را در اراضی ۱۹۶۷ ارائه کرد که با استقبال جهانیان و نیز دولت خودگردان فلسطین مواجه شد. اما در عمل هیچ یک از وعده های این کمیته که به «نقشه راه» موسوم بود، به بارنشست و

هر بار اسرائیل به بهانه های واهی از زیر بار تعهدات خود شانه خالی می کرد.

در این میان جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که موجودیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخته است، لذا قائل به آزادی فلسطین و از میان رفتن اسرائیل از طریق مشی مقاومت مسلحانه است. البته در کنار راهبرد مقاومت، ایران از راهکارهای سیاسی و تبلیغاتی هم غافل نبوده است که ابتکار روز جهانی قدس یکی از این راهکارها محسوب می شود.

از طرفی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ طرحی مبنی بر انجام همه پرسی در اراضی اشغالی فلسطین ارائه کردند که ناظر به بازگشت آوارگان فلسطینی به خانه و کاشانه خود و همه پرسی درباره حکومت فعلی اسرائیل بود. ماهیت این طرح که صبغه ای دموکراتیک دارد، متضمن استیفای حقوق فلسطینیان و خروج صهیونیست ها از فلسطین است. به همین دلیل در حال حاضر بازگشت آوارگان تبدیل به یکی از خطوط قرمز رژیم صهیونیستی شده است، چون می داند که با پذیرش این امر یهودیان در اقلیت قرار خواهند گرفت.

شکاف و بحران بی سابقه در داخل رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی طی سال های اخیر از شکاف و اختلافات داخلی فزاینده در رنج است. این اختلافات موجب شده دولت های این رژیم پس از مدت کوتاهی دچار فروپاشی شده و به همین دلیل اسرائیل طی چهار سال گذشته شاهد برگزاری پنج انتخابات زودهنگام بوده است. بحران داخلی و قطب بندی های جدید در اسرائیل با روی کارآمدن افراطی ترین دولت تاریخ این رژیم به نخست وزیری «بنیامین نتانیاهاو» به اوج رسیده است.

نتانیاهاو پس از ۱۸ ماه تبعید سیاسی به عنوان رهبر اپوزیسیون در پاییز گذشته توانست با ائتلافی با احزاب ارتدوکس مذهبی افراطی و ملی گرای افراطی به قدرت بازگردد و دست راستی ترین دولت اسرائیل را تشکیل دهد. نتانیاهاو هم اکنون به خاطر فساد مالی در سه پرونده جداگانه تحت محاکمه است، هر چند وی اتهامات مربوط به فساد مالی را رد می کند. نتانیاهاو پس از رسیدن به قدرت به همراه شرکای سیاسی خود در دولت وعده داد به عنوان یکی از برنامه های دولت جدید، به سرعت نظام قضایی را دچار اصلاح و تغییر کنند. این تغییرات به ائتلاف حاکم اجازه کنترل نسبت به انتصابات قضایی را می دهد و به پارلمان این مجوز را می دهد که تصمیمات دیوان عالی را وتو کند. منتقدان می گویند هدف از این

اصلاحات این است که احزاب ائتلاف حاکم با رهایی از نظارت قضایی، اهداف ایدئولوژیک خود را به ویژه در عرصه توسعه طلبی در کرانه باختری به پیش ببرند.

کارشناسان حقوقی بر این باورند که اصلاحات مورد نظر نتانیاہو، سیستم «مہار و موازنہ قدرت» را در اسرائیل دچار تزلزل می کند و بہ ائتلاف حاکم بہ رہبری نتانیاہو اجازہ می دہد بر سیستم قضایی کہ طبق قانون مستقل شمرده می شود، تسلط پیدا کند. آنہا همچنین میگویند نتانیاہو در حالی کہ خودش تحت محاکمہ است، در اقداماتش برای تغییر شکل نظام قانونی دارای تعارض منافع می باشد. در مقابل دولت نتانیاہو مدعی است تغییرات قانونی برای کارآمد کردن حکومت در مواجهہ با یک قوہ قضاییہی مداخلہ گر ضروری است.

در پی اصرار نتانیاہو نسبت بہ طرح جنجالی خود، دہ ہا ہزار نفر بہ طور مکرر بہ خیابان ہا آمدہ و «شنبہ های اعتراضی» شکل گرفت. همچنین تظاهرات خودجوش گسترده ای در یکشنبہ شب پس از اخراج یائوف گالانت وزیر جنگ کہ با اصلاحات قضایی مخالف بود، رخ داد. اخراج گالانت کہ بہ سرعت و عمدتاً از طریق پیام رسان واتساپ سازماندہی شد، خشم عمومی را برانگیخت و در مدتی کمتر از یک ساعت، ہزاران نفر

بزرگراه اصلی تل آویو را مسدود کردند و هزاران نفر در مقابل منزل نتانياهو در بیت المقدس دست به تظاهرات زدند.

گلانت نخستین عضو هیئت دولت بود که به مخالفت با نتانياهو پرداخت و به طور علنی خواستار تاخیر در اصلاحات قضایی شد. گلانت گفت با توجه به افت روحیه سربازان و تهدید آن ها به انجام ندادن وظایف در نتیجه بحران سیاسی جاری، آمادگی نظامی در معرض آسیب می باشد. گلانت یک ژنرال بازنشسته و صریح اللهجه است و به طور طبیعی در جامعه ای که دارای دغدغه های امنیتی بالایی است، از احترام ویژه برخوردار است. لذا نتانياهو با حمله به فردی که مسئولیت امنیت ملی را داشت، با ورود به حیطه امنیت - که مورد اجماع جامعه چندقطبی اسرائیل است - عملاً افکار عمومی را علیه خود تحریک کرد.

از طرفی، رهبران تجاری، روسای بانک ها، دانشگاهیان، خلبانهای جنگنده ها، نیروهای احتیاط ارتش، فرماندهان سابق امنیتی و سایر بخش های پرنفوذ جامعه نیز بر ضد این طرح به میدان آمده اند. در این میان، بزرگترین اتحادیه صنفی اسرائیل اعلام اعتصاب عمومی کرد که از جمله به فلج شدن فرودگاه بین المللی تل آویو انجامید. به دنبال عقب نشینی دولت، رئیس

بزرگترین اتحادیه کارگری اسرائیل اعلام کرد اعتصاب عمومی را که می‌توانست کل اقتصاد اسرائیل را فلج کند، لغو می‌کند.

اتحادیه صنفی اسرائیل که از جمله قدرتمندترین نهادها در رژیم صهیونیستی شمرده می‌شود، نمایندگی حدود ۸۰ هزار نفر را در بخش‌های گوناگون از جمله بهداشت، بانکداری، خدمات و حمل و نقل را به عهده دارد. با اینکه این اتحادیه قبلاً بخش‌هایی از اقتصاد را در اعتصابات در سال‌های گذشته بر سر منازعات مربوط به موضوع‌های کاری فلج کرده بود، هرگز در اعتراض به یک موضوع سیاسی اعتصاب اعلام نکرده بود، لذا اعتصابات اخیر به لحاظ ماهیت و حجم بی‌سابقه محسوب می‌شود.

تصمیم به اعتصاب بلافاصله تاثیر خود را نشان داد. برای نمونه فرودگاه اصلی بین‌المللی در تل‌آویو همه پروازهای خروجی‌اش را لغو کرد و هزاران مسافر زمین‌گیر شدند. در واقع، اقتصاد اسرائیل در نتیجه اعتراضات مداوم آسیب دیده است و واحد پول این رژیم در هفته‌های اخیر دچار افت قیمت شده است. اعتصاب درازمدت می‌توانست اقتصاد رژیم غاصب را به کلی مختل کند و این یکی از دلایل مهم عقب‌نشینی نتانیاهو از طرح اصلاحات قضایی بشمار می‌رود.

با توجه به تحولات اخیر، دورنمای دولت افراطی نتانياهو در هاله ای ابهام فرو رفته است. مهلتی که نتانياهو در ارائه اصلاحات قضایی به پارلمان اعلام کرد می تواند به کاهش تنش ها کمک کند و به او زمان دهد تا با مخالفانش به آشتی و توافق برسد. با این حال عقب نشینی وی، به شکل طبیعی خشم شرکای سیاسی دست راستی افراطی او را به دنبال خواهد داشت که چنین امری چه بسا ممکن است پایداری دولت او را مورد تهدید قرار داده و بار دیگر اسرائیل را وارد معرکه انتخابات زودهنگام نماید. چرخه فروپاشی دولت ها نشانگر چالش و تضادهای زیرساختی در رژیم غاصب صهیونیستی است که تداوم آن فروپاشی محتوم این رژیم را در آینده ای نه چندان دور به دنبال خواهد داشت.

دور تازه مقاومت مسلحانه در کرانه باختری

یکی از تحولات مهم در کرانه باختری رشد گروه های مقاومت مسلحانه کوچک بود که در شهرهای شمالی جنین و نابلس متمرکز شده اند. این پدیده از سال ۱۴۰۰ با تشکیل اولین گروه با نام گردان های جنین، در اردوگاه آوارگان جنین پس از شهادت «جمیل العموری» توسط صهیونیست ها آغاز شد، اما در سال ۱۴۰۱ گسترش قابل توجهی یافت. امروز گروه های مقاومت در اوج قدرت قرار دارند و تنها در سال ۱۴۰۱ حداقل هفت

گروه جدید مقاومت در فلسطین تشکیل شده که عزم و اراده جدی برای مقابله با جنایت های رژیم صهیونیستی دارند.

نکته مهم آن است که در کنار گروه های سنتی مقاومت مانند جنبش حماس و جهاد اسلامی، اکثر گروه های مقاومت جدید فلسطینی، نه از غزه، بلکه از کرانه باختری پا به عرصه درگیری گذاشته اند و تمرکز عملیاتی شان در داخل سرزمین های اشغالی، مرزهای ۱۹۴۸ و حتی در بیت المقدس و در کنج خانه صهیونیست هاست. از جمله این گروه ها می توان به تیپ جنین، تیپ طولکرم، عرین الاسود (بیشه شیران)، صقور الکرامه (عقاب های کرامت) و... اشاره کرد که عمدتاً پس از عملیات سیف القدس در سال گذشته شکل گرفته و در واقع پروژه راهبردی «تسلیم کرانه باختری» محقق شده است.

با روی کار آمدن دولت افراطی بنیامین نتانیا هو، درگیری ها در کرانه باختری تشدید شده و رویارویی خونین بین اشغالگران صهیونیست و مقاومت کلید خورد. دولت اسرائیل که از ضربات مهلک مبارزان فلسطینی در جنین و اردوگاه معروف آن کینه به دل داشت، با هدف پایان دادن به این حملات در اوایل بهمن ماه ۱۴۰۱ جنایت جنین را رقم زد. در حمله بی سابقه نظامیان صهیونیست به اردوگاه جنین، ۱۱ شهروند فلسطینی شهید و

دستکم ۲۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند. فلسطینیان در مناطق مختلف کرانه باختری از جمله قدس اشغالی، رام الله، بیت لحم، نابلس و همچنین نوار غزه در محکومیت جنایت صهیونیست‌ها تظاهرات کردند و دست به اعتصاب عمومی زدند.

مقاومت فلسطین همواره تاکید کرده که خون ملت فلسطین بی ارزش نیست و اشغالگران باید تاوان بدهند حملات راکتی را به شهرک‌های صهیونیست نشین آغاز کرد و اوضاع را برای صهیونیست‌ها ناامن کردند تا جایی که شهردار عسقلان به شدت از اقدام تنبیهی انتقاد کرد.

واکنش شدید و عملی به حمله جنین توسط یک جوانی فلسطینی انجام شد. «خیری علقم» ۲۱ ساله ساکن اردوگاه شعفاط در قدس که سوار بر خودرو بود، در نزدیکی یک کنیسه یهودی در منطقه «نبی یعقوب» در شهرک بیت حنینا در شمال قدس اشغالی گروهی از صهیونیست‌ها را به گلوله بست که طی آن ۹ صهیونیست کشته شدند. نظامیان اسرائیلی با مجری عملیات وارد درگیری مسلحانه شدند و در نهایت او را به ضرب گلوله به شهادت رساندند. البته این پایان ماجرا نبود و در سایر نقاط کرانه باختری از جمله سلوان در قدس اشغالی و اریحا و قلقلیه حملاتی علیه صهیونیست‌ها انجام شد.

در پی عملیات شهادت طلبانه در قدس بنیامین نتانیاھو در مقر مرکزی پلیس در قدس اشغالی گفت: ما در یکی از بدترین حملاتی قرار داریم که طی سالهای اخیر شاهد بوده ایم. قلبهای ما با خانوادههای کشته ها و زخمی هاست. وی افزود بعد از نشست با سیستم های امنیتی تصمیمات فوری بعد از عملیات را اتخاذ کرده و باید از روی درایت اقدام کنیم؛ از مردم می خواهی خودشان دست به اعمال قانون نزنند. همین منع شهروندان اسرائیلی از اقدامات خودسرانه، نشانگر ترس نتانیاھو از پیامدهای درگیری در کرانه بوده و وی به خوبی می داند که کرانه باختری نه فقط مسلح شده، بلکه جوانان فلسطینی انگیزه بالایی برای انتقام و درگیری سخت با نیروهای اسرائیلی در حد عملیات های استشهادی دارند.

حملات صهیونیست ها در ماه مبارک رمضان تداوم یافت و نیروهای اشغالگر اسرائیلی بیش از ۴۰۰ فلسطینی را در مسجدالاقصی بازداشت کردند. آمارهای غیررسمی از زخمی شدن بیش از یکصد تن از نمازگزاران و معتکفان فلسطینی در صحن مسجدالاقصی حکایت دارد. یهودیان افراطی اصرار دارند در این ایام که مصادف با «عید پاک» یهودی هاست، حریم مسجدالاقصی را نقض کرده و بخشی از اعمال و عبادات خود را در حریم این مسجد بجا بیاورند. اما در پاسخ به تجاوز صهیونیست ها به مسجد

الاقصی و نیز حملات این رژیم به نوار غزه و جنوب لبنان، مقاومت فلسطین در غزه و نیز حزب الله لبنان چندین موشک روانه اراضی اشغالی کرده و صهیونیست‌ها را روانه پناهگاه‌ها کردند.

فرافکنی از طریق حمله به سوریه

معمولا رژیم صهیونیستی در مواقع بحران داخلی سعی می کند دست به فرافکنی زده و با حملات خارجی از جمله تجاوز به سوریه، فضای این رژیم را امنیتی کرده و افکار عمومی داخل را تا مدتی سرگرم سازد. یکی از خونین ترین حملات در سحرگاه جمعه ۱۱ فروردین مصادف با نهم ماه مبارک رمضان در حومه دمشق انجام شد که در اثر آن دو نیروی سپاه پاسداران به شهادت رسیدند. روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه های جداگانه از شهادت «میلاد حیدری» و «مقداد مهقانی جعفر آبادی» خبر داده و بر پاسخ قاطع به جنایت‌های رژیم جعلی صهیونیستی تاکید کرده است.

به گزارش برخی منابع منطقه ای، صهیونیست ها در سال ۲۰۲۲ بیش از ۳۲ بار به مواضع و تأسیسات نظامی در خاک سوریه حمله کردند و در جریان این حملات بیش از ۹۰ هدف زمینی مورد اصابت قرار گرفته است.

همچنین در این حملات ۸۹ نظامی سوری جان خود را از دست دادند و بیش از ۱۲۰ نظامی مجروح شده اند.

دولت دمشق نیز تا به حال چندین مرتبه در نامه‌هایی به مقامات سازمان ملل، خواستار اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تکرار تجاوزات نظامی صهیونیست‌ها به سوریه شده است، اما جامعه جهانی در قبال حملات مکرر اسرائیل همچنان دچار سکوت و انفعال است.

افزون بر اهداف و انگیزه‌ای چون اعمال فشار بر ایران و انهدام تسلیحات پیشرفته مقاومت؛ تشدید حملات اسرائیل علیه سوریه در شرایط فعلی و به طور خاص هدف قرار دادن مقرهای سپاه پاسداران، بی‌ارتباط با درگیری اخیر بین نیروهای مقاومت و اشغالگران آمریکایی نیست.

چرایی عدم پاسخ مناسب به حملات صهیونیستی

سوالی که همواره و پس از هر گونه حمله رژیم غاصب به سوریه مطرح می‌شود، چرایی عدم پاسخ مناسب سوریه یا جبهه مقاومت به این گونه حملات است. اولاً حملات اسرائیل بدون پاسخ نمانده و هر از گاهی اهدافی در داخل رژیم مورد حمله قرار گرفته است. برای نمونه در حملات اخیر وزارت دفاع سوریه اعلام کرد در ساعت ۱۷ بامداد جمعه به تجاوز موشکی این رژیم که از سمت جولان اشغالی شلیک و خساراتی به یک

پایگاه نظامی در ریف دمشق وارد شد پاسخ داده است. اما رژیم صهیونیستی غالباً حملات مقاومت را که در مواردی منجر به تلفات جانی و مادی فراوان شده اعلام نمی کند. ثانیا شرایط سوریه به گونه ای است که درگیر جبهه داخلی تروریسم در مناطق شمالی بوده و لذا قصد ایجاد جبهه جدیدی در جنوب و جولان را ندارد؛ به همین دلیل در بسیاری موارد در قبال حملات رژیم صهیونیستی خویشتنداری به خرج می دهد.

اما آنچه مربوط به جمهوری اسلامی و شهادت نیروهای سپاه پاسداران می شود سوال این است که آیا ایران در برابر این جنایات واکنش قاطعی نشان نخواهد داد؟ قطعاً آن گونه که در بیانیه سپاه پاسداران تاکید شده حمله اخیر اسرائیل بدون پاسخ نخواهد ماند و البته نحوه و زمان آن به آینده موکول شده است. این پاسخ به طرق مختلف مستقیم و نیابتی قابل انجام بوده و نگرانی محافل داخلی اسرائیل از پاسخ ایران، نشانگر قریب الوقوع بودن آن می باشد.

در هر حال به منظور انتقام و نیز بازدارندگی رژیم متجاوز اسرائیل از تکرار حملات در آینده، اقدام به پاسخ کوبنده مقاومت به نحو مقتضی، یک امر ضروری محسوب می شود؛ به ویژه آن که دولت بنیامین نتانیاهو این روزها

دچار چالش های فراوان داخلی بوده و درجه آسیب پذیری آن به شدت بالا رفته است.

نزدیکی فروپاشی و نفرین دهه هشتم

فروپاشی قریب الوقوع رژیم صهیونیستی با توجه به شواهد و قرائن متعدد، بیش از گذشته مورد توجه محافل مختلف حتی در درون رژیم غاصب قرار گرفته است. مقام معظم رهبری در شهریورماه ۱۳۹۴ در دیدار با اقشار مختلف مردم فرمودند: «بعد از اتمام این مذاکرات هسته‌ای، شنیدم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغه‌ی ایران آسوده‌ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را می‌کنیم. بنده در جواب عرض میکنم اولاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت».^۳

در شرایطی که نابسامانی و شکاف‌های داخلی در رژیم صهیونیستی رو به افزایش است، «اسحاق هرتزوغ» رئیس جمهوری اسرائیل غاصب نسبت به فروپاشی جامعه صهیونیستی از درون، هشدار داده و تاکید کرده شرایط به

^۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30716>

وجود آمده به خاطر بحران سیاسی ناشی از سیاست های افراطی و نیز اصلاحات قضایی بنیامین نتانیا هو نخست وزیر جدید، همانند بشکه باروتی است که هر لحظه ممکن است منفجر شود. پیش از این «ایهود باراک» نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی هم ابراز نگرانی کرده بود که اسرائیل در معرض «نفرین دهه هشتم» قرار بگیرد و عمر آن پیش از هشتادمین سالگرد تأسیسش پایان یابد.

مساله فروپاشی رژیم نامشروع و غاصب اسرائیل تبدیل به یک کلیدواژه برجسته در قاموس سیاسی شده که نه فقط از سوی جمهوری اسلامی ایران و مقامات عالی آن مطرح شده، بلکه زمزمه های آن در درون رژیم نیز به گوش می رسد. در فرهنگ و تاریخ یهود مقوله ای به نام «نفرین دهه هشتم» مطرح است و گفته می شود در طول تاریخ یهود جز در دوران داود نبی، یهودیان بیش از هشتاد سال حاکمیت نداشتند و عمدتاً در اثر نفرین دهه هشتم ساقط شده اند. اکنون نیز با توجه به شرایط بغرنج درونی اسرائیل و نیز در سایه رشد چشمگیر جبهه مقاومت، ترس از نفرین و فروپاشی - و به تعبیر هرتزوگ سقوط در پرتگاه - در میان یهودی ها شدت گرفته است.

سخن پایانی

در مجموع باید گفت با توجه به سنن الهی و ناپایداری ظلم و تجاوز، رژیم صهیونیستی مشغول پرداخت تاوان سیاست های اشغالگری و تروریسم در طول ۷۵ سال گذشته است و مهمترین بلیه ای که صهیونیست ها پس از وعده های پوشالی درباره «ملت برگزیده» و «سرزمین موعود» گرفتار آن شده اند، نه فقط از سوی جبهه بیرونی، بلکه برخاسته از شکاف های متعدد درونی است که بحرانی عمیق را در اراضی اشغالی فلسطین رقم زده و اعتراضات گسترده و هشدارهای بی سابقه ای را از سوی مقامات و نخبگان این رژیم در برداشته است. قطعا تداوم بحران داخلی و حضور فعال مقاومت در اشکال مختلف به تعبیر رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیرشان با مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی موجب تسریع روند فروپاشی رژیم غاصب در آینده ای نه چندان دور خواهد شد.

چکیده:

۱- فرارسیدن آخرین جمعه ماه مبارک رمضان که به تدبیر مبارک امام راحل (ره) به نام «روز قدس» نام گذاری شده است، فرصتی است گرانبها که بار دیگر به آرمان فلسطین پرداخته شود. هدف دشمنان آن است که با گذر زمان، از یک سو مصائب و آرمان های ملت فلسطین به فراموشی سپرده

شود و از سوی دیگر در روند سازش، رژیم اشغالگر قدس در منطقه تثبیت شود. اما حضور مسلمانان و وجدان های بیدار در مراسم روز جهانی قدس، به جهانیان نشان می دهد که آرمان فلسطین همچنان زنده است.

۲- روز جهانی قدس شعله مقاومت و مبارزه را بر اساس آموزه های اسلام برافروخت و طرح های جایگزین مانند سازش را نقش بر آب و مقاومت فلسطینیان را مسلحانه و فراگیر کرده است. مقاومت فلسطین که با سیر صعودی از انتفاضه سنگ به انتفاضه موشک تبدیل شده، ضمن ایجاد هراس در میان اسرائیلی ها، موازنه قوا را دچار تغییر کرده است. این دستاوردها از برکات روز جهانی قدس می باشد.

۳- رژیم صهیونیستی طی سال های اخیر از شکاف و اختلافات داخلی فزاینده در رنج است. این اختلافات موجب شده دولت های این رژیم پس از مدت کوتاهی دچار فروپاشی شده و به همین دلیل اسرائیل طی چهار سال گذشته شاهد برگزاری پنج انتخابات زودهنگام بوده است.

۴- بحران داخلی و قطب بندی های جدید در اسرائیل با روی کارآمدن افراطی ترین دولت تاریخ این رژیم به نخست وزیری «بنیامین نتانیاهو» به اوج رسیده است. در پی اصرار نتانیاهو نسبت به طرح جنجالی اصلاحات قضایی ده ها هزار نفر به طور مکرر و بی سابقه به خیابان ها آمده و با شکل

دادن به «شنبه‌های اعتراضی» به اذعان اغلب مقامات سابق و کنونی این رژیم، روندها و زمینه‌های فروپاشی داخلی آن را فراهم و دورنمای دولت افراطی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

۵- به موازات ضعف و تزلزل در حکومت نامشروع صهیونیستی، گروه‌های مقاومت در اوج قدرت قرار دارند و تنها در سال ۱۴۰۱ حداقل هفت گروه جدید مقاومت در فلسطین تشکیل شده است که اراده جدی برای مقابله با جنایات این رژیم دارند. از این رو، لازم است در جهاد تبیین به مناسبت پاسداشت روز جهانی قدس، با هدف امیدآفرینی، تشویق به حضور مردم در راهپیمایی جهانی روز قدس و محتوم بودن تحقق سنت‌های الهی در پیروزی نهایی جبهه حق بر باطل، وضعیت فعلی سرزمین‌های اشغالی و به هم خوردن توازن قوا به نفع مقاومت برجسته و یاد شهید سلیمانی و یارانش گرامی داشته شود.